

شیوه‌شناسی آیت‌الله خویی در شناسایی تصحیفات در سند روایات با تأکید بر کتاب معجم رجال الحدیث*

محمدصادق بخشی جویباری**

چکیده

یکی از شاخصه‌های معجم رجال الحدیث، شناسایی آسیب‌های وارده بر سند روایت در کتب اربعه است. در این نوشتار تلاش شده، روش‌شناسی و رویکرد رجالی ایشان در تشخیص تحریف و تصحیف در سند روایات بیان شود. ایشان در کتاب «معجم رجال الحدیث» با عنوان گزاره «اختلاف الکتب» و «اختلاف النسخ» و مقایسه اسناد روایات کتب اربعه به شناسایی تصحیف در سند روایات کتب اربعه پرداخته و از این رهگذر به شناسایی آسیب‌های سندی مانند تصحیف، ارسال و قلب اشاره کرده و راهکارهایی برای تشخیص و تصحیح آنها ارائه نموده است. این پژوهش، به هدف بیان راهکارهای شناسایی پدیده تصحیف از منظر آیت‌الله خویی تلاش دارد تا با تکیه و بررسی نمونه‌های متعدد علاوه بر شیوه‌های شناخت تصحیف و علت‌یابی آن، از این آسیب و پیامدهای آن در اندیشه رجالی ایشان ارائه کند و در نهایت راهکارهای برون‌رفت آن در اسناد تصحیف‌شده و ضرورت تصحیح آن اشاره نماید.

واژگان کلیدی: آیت‌الله خویی، معجم رجال الحدیث، تصحیف سندی، طبقات، کتب اربعه.

۸۵



سال دوازدهم / شماره ۲۲ / بهار و تابستان ۱۴۰۰

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲۸ - تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۱۰/۰۳.

** مدرس حوزه علمیه قم، ایران؛ (mabkshi110@gmail.com).

نقل حدیث همواره با تغییراتی در متن و سند همراه بوده است. گاه در جریان نقل کتبی و شفاهی حدیث، اشتباهات و تغییراتی صورت می‌گرفت که نتیجه آن، دگرگونی سند و معنای حدیث، نافیهمی و یا بدفهمی مقصود معصومان علیهم‌السلام می‌شود. یکی از این آسیب‌ها تصحیف و تحریف است که حدیث در مرحله نقل، با آن روبه‌رو است. تصحیف در همه متون تاریخی، از جمله در حدیث، فراوان و شایع بوده و می‌توان آن را نوعی آفت برای حدیث دانست؛ آفتی که شامل هرگونه تغییر در سند و متن نقل‌های روایی یا تاریخی شده و در گذر زمان مشکلاتی را برای حدیث پژوهان به وجود می‌آورد. عالمان و محدثان با دقت و امعان نظر، با نگاشتن کتاب‌های متعدد درصدد رفع این معضل بوده‌اند. هر چه از زمان نگارش اولین نگاشته‌های حدیثی می‌گذرد، نیاز به بحث از تصحیف بیشتر احساس می‌شود و دانشمندان شیعی به‌ویژه معاصران، جهت حل این مشکل تحقیقات ارزشمند و عالمان‌های را تقدیم مجامع علمی نموده‌اند. آثاری که برخی به تعریف تصحیف و تحریف و راهکارهایی تشخیص آن می‌پردازد و برخی دیگر به ضبط اسما و الفاظ سند و متن روایت مربوط می‌شود.^۱

جهل کتاب، شتاب در خواندن، تشابه حروف و کلمات و موارد دیگر، موجب فزونی تصحیف و تحریف در سند و متن احادیث شده‌اند تا جایی که صاحب کتاب «الحدائق الناضرة» - علی‌رغم مسلک اخباری - در برخورد با روایات تهذیب الأحکام مدعی است که کمتر حدیثی را در تهذیب می‌توان یافت که از تصحیف و تحریف خالی باشد.^۲

۱. به‌عنوان نمونه ر.ک: «التصحیف فی متن الحدیث» نگاشته حیدر مسجدی، این کتاب به‌صورت کامل به بررسی تحریف در متن روایات پرداخته است. «الرواشح السماویة» نگاشته میرداماد، در حدود سی صفحه از این کتاب را موضوع تصحیف اختصاص داده است. همچنین کتاب‌هایی که به بحث درباره روش تصحیح و تحقیق کتاب‌ها می‌پردازند، این بحث را دنبال کرده‌اند، به‌ویژه کتاب «اصول تحقیق التراث» نوشته عبدالهادی فضلی، «محاضرة عن التصحیف و التحریف» نوشته محمود محمد الطنّاحی، «تحقیق النصوص و نشرها» نگاشته عبدالسلام محمد هارون و «نقد و تصحیح متون» نوشته نجیب مایل هروی. همچنین بعضی از کتاب‌های رجالی برای برطرف ساختن تحریف، اسناد و روایان را فهرست کرده‌اند: به‌عنوان نمونه از «قاموس الرجال» تألیف محمدتقی شوشتری، «جامع الرواة» نگاشته محمد اردبیلی و «الموسوعة الرجالیة» نگاشته آیت‌الله بروجردی می‌توان نام برد.
۲. ر.ک: الحدائق الناضرة، ج ۴، ص ۲۰۹ و ۱۵۶. درجایی دیگر تصحیف در کتاب تهذیب الأحکام را بی‌شمار می‌داند (ر.ک: همان، ج ۷، ص ۷۶ و ص ۱۲۰).



بنابر کمتر نوشت‌های در گذر زمان بر اثر غفلت نسخه‌نویسان و یا بی‌اطلاعی نساخ و کتاب از علوم و مصطلحات حدیثی و رجالی و یا به دلایل دیگر، مصون از تصحیف و تحریف مانده است؛ اما در مقابل با شکل‌گیری علوم چون رجال و دیگر دانش‌های حدیثی گوشه‌ای از آسیب‌های تصحیف برطرف شده و این دانش‌ها توانسته‌اند بخشی از آسیب‌های وارد شده به کلام معصومان علیهم‌السلام را بزدایند.

آیت‌الله خویی^۱ در کتاب معجم رجال الحدیث در بارهٔ راویانی که در نام آنان اختلافی دیده، نام او را با عنوانی به نام «اختلاف الکتب» تشریح کرده است. بخش دیگر که در کتاب معجم رجال الحدیث قابل توجه است، قسمت «اختلاف النسخ» بوده که ذیل شرح حال برخی راویان قرار دارد. مؤلف در این مورد به اختلاف نقل راوی در کتب اربعه می‌پردازد. گفتنی است در این دو بخش توجه مضاعفی به مباحث تصحیف شده و راهکارهایی برای برون‌رفت از آن ارائه کرده‌اند. در این پژوهش کوشش شده که این آسیب حدیثی و روش‌شناسی تصحیف از منظر آیت‌الله خویی و داوری ایشان مورد بررسی و کنکاش قرار گیرد و راه‌های شناسایی و مقابله با آن تبیین شود.

زمان شروع اولین تصحیف‌ها به صورت دقیق ذکر نشده است؛ اما برخی آغاز آن را در حکومت «عبدالملک بن مروان» در قرن اول (سال ۸۶ق) دانسته‌اند. در آن زمان بر اثر کثرت اشتباهات نوشتاری، ابوالاسود دوئلی (م ۶۹ق) و یا نصر بن عاصم (م ۹۰ق) نقطه‌های حروف را جهت تسهیل شناسایی حروف وضع کردند و در اواخر قرن دوم، «خلیل بن احمد» (م ۱۷۴ق) شکل و هیئت حروف

۱. آیت‌الله سید ابوالقاسم موسوی خویی از علمای بنام معاصر است. در شب پانزدهم ماه رجب ۱۳۱۷ هجری در شهرستان خوی از شهرهای آذربایجان غربی دیده به جهان گشود و دوران کودکی را در دامان پرمهر و محبت پدر و مادر در یک فضای آکنده از معنویت پشت سر نهاد. علوم مقدماتی را تا سیزده‌سالگی در زادگاهش فراگرفت و در سال ۱۳۳۰ هجری به همراه پدر به نجف کوچ کرد و در حوزه علمیه نجف به ادامه تحصیل پرداخت. آیت‌الله خویی در موضوعات مختلف علوم اسلامی سی و چهار کتاب تألیف نموده که مهم‌ترین آنها در زمینه ی رجال، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة است.

اساتید وی عبارت‌اند از: شیخ الشریعة اصفهانی، شیخ مهدی مازندرانی، شیخ ضیاءالدین عراقی، شیخ محمد اصفهانی، شیخ محمدحسین نائینی که از وی اجازه روایت کتب اربعه را گرفت. از مشهورترین شاگردان ایشان می‌توان شهید سید محمدباقر صدر، آیت‌الله سید علی سیستانی، آیت‌الله سید محمد روحانی، آیت‌الله شیخ حسین وحید خراسانی، آیت‌الله میرزا جواد تبریزی و... نام برد. ایشان سرانجام در نود و چهار سالگی در هشتم صفر ۱۴۱۳ هـ مطابق با مرداد ۱۳۷۱ شمسی در شهر کوفه دار فانی را وداع گفت و در نجف اشرف در مسجد خضراء به خاک سپرده شد.

را به وجود آورد تا به آسانی، نوشته‌ها به دو طریق (بالا و پایین حروف) نقطه‌گذاری شوند.^۱ با عنایت به این نکته گروهی از دانشمندان اهل سنت بر این باورند که از دیرزمان تصحیف و تحریف در میان عالمان مطرح بوده به گونه‌ای که احمد بن حنبل تصریح کرده است:

چه کسی از خطا و تصحیف در امان است.^۲

حتی نقل است که روزی حمزه زبّات آیه «الم، ذلک الکتاب لاریب فیہ» را تلاوت می‌کرد، پدرش تلاوت او را شنید که می‌گفت: «الم، ذلک الکتاب لا زبّت فیہ»، به او خطاب کرد:

مصحف را رها کن و از صاحبان لسان آن را فرا گیر.^۳

در ظاهر اولین کتاب در زمینه تصحیف نوشته «حمزة بن الحسن الاصفهانی» (متوفی قبل از سال ۳۶۰) با عنوان «التنبیه علی حدوث التصحیف» است. وی در تعریف تصحیف می‌نویسد:

چیزی خلاف آنچه نویسنده اراده کرده است خوانده شود.^۴

پس از وی می‌توان از «ابواحمد العسکری» (م ۳۸۲ یا ۳۸۳ق) نام برد که دو کتاب جامع، با عنوان «شرح ما یقع فی التصحیف و التحریف» در سه جلد و «تصحیفات المحدثین» در سه جلد را نگاشته و پس از آن عالمان و محدثان کتاب‌هایی با عنوان تصحیف یا تحریف نگاشتند که مؤلف کتاب «اصول تحقیق التراث»^۵ بدان اشاره نموده است. ویژگی مشترک این کتاب‌ها، نگارش توسط اهل سنت بوده و از دانشمندان شیعی به صورت مستقل تا قبل از قرن حاضر، اثری در زمینه تصحیف ثبت نشده است. ناگفته پیداست که عالمان و محدثان شیعی در لابه‌لای کتاب‌های رجال و یا مباحث دیگر به این موضوع اشاره کرده و فصل یا بخشی از کتاب را به تبیین تحریف و تصحیف پرداخته‌اند. در سال‌های اخیر پژوهش‌های فراوانی در مجلات حوزوی و دانشگاه به چاپ رسیده است.^۶

۱. ر.ک: التصحیف و اثره فی الحدیث و الفقه، ص ۶۲.

۲. ر.ک: مقدمه ابن‌صلاح، ص ۱۶۸.

۳. ر.ک: تصحیفات المحدثین، ج ۱، ص ۱۴۵.

۴. ص ۲۶.

۵. ص ۱۸۱ به بعد.

۶. ر.ک: مجله‌های، حدیث حوزه، شماره ۱۶؛ حدیث اندیشه، دوره ۱۳، ش: دانش نامه، جهان اسلام و....

الف. دلایل رخداد تصحیف در شیوه‌شناسی آیت‌الله خویی

تصحیف در لغت به معنای خطا در خواندن و نوشتن است بر اثر شباهت حروف، تغییردادن کلمه با کم و زیادکردن نقطه‌های آن است. اسم مفعول آن یعنی «مصحّف» به معنای اشتباه نوشتاری است. در اصطلاح حدیث‌پژوهان؛ به حدیثی که بخشی از سند^۲ یا متن^۳ آن، به چیزی شبیه یا نزدیک به آن، تغییر کرده «مصحّف» گفته می‌شود.^۴ در این پژوهش مراد از تصحیف و تحریف در سند روایت، اعم از تصحیف در نام راوی و یا حروف رابط مانند تصحیف «عن» به «بن» و یا تصحیف در نام راویان مثل «حریر» به «جریر» و یا در القاب همچون «میثمی» به «تیمی» و... است.

برای شناخت تصحیف در سند روایات، چرایی و برون‌رفت از این مشکل، معیارهایی وجود دارد. تتبع در تعلیقات و ملاحظات آیت‌الله خویی در معجم رجال الحدیث نشان می‌دهد، ایشان در دلایل تصحیف در نام راویان در اسانید روایات کتب اربعه بیشتر از چهار شیوه، نبود نام راوی در مصادر حدیث و رجال و اشتباه نسخه‌نویسان و افتادگی واسطه و تشابه حروف میان دو نام، به دلایل رخداد تصحیفات راه‌یافته در سند روایات بهره برده است. در ادامه با ذکر نمونه به بررسی آن پرداخته می‌شود.

۱. نبود نام راوی در منابع رجال و حدیث

آیت‌الله خوئی در بیان راه شناسایی تصحیف، نبود نام راوی در مصادر رجالی و روایی را مطرح می‌کند؛ بدین‌صورت که هرگاه نام راوی متفرد در یک گزارش باشد و در دیگر نگاشته‌های رجالی و روایی یافت نشود این امر می‌تواند شاخصی برای شناسایی تصحیف تلقی شود. نمونه‌های ذیل از این

۱. لسان العرب، ج ۹، ص ۱۸۷؛ مجمع البحرین، ج ۵، ص ۷۸؛ العین، ج ۳، ص ۱۳۰.

۲. مقصود از تصحیف در سند، هرگونه تغییراتی است که بر سند روایات عارض شده باشد، چه به‌نحو تحریف و جابه‌جایی کلمات سند و نام راویان به برخی اسامی دیگر و یا زیادی و نقصان چیزی از سند و چه به‌صورت تغییر و تبدیل برخی حروف و نقطه در نام راوی. ضمناً باید توجه داشت که بیشترین نوع تصحیف، تصحیفی است که در اسامی راویان صورت گرفته است.

۳. مراد از تصحیف در متن تغییراتی است که در متن، سبب تغییر در معنا و مفهوم روایت می‌شود؛ مانند لفظ «شیئا» به جای «ستا» در حدیث نبوی «مَنْ صَامَ رَمَضَانَ وَ اتَّبَعَهُ سِتًّا مِنْ سَوَالٍ» که در منابع اهل سنت آمده تصحیف شده است (صحیح مسلم، ج ۱، ۸۲۲، ح ۱۱۶۴، باب ۳۹؛ سنن ابی داود، ج ۲، ۳۲۴، ح ۲۴۳۳؛ سنن ابن‌ماجه، ج ۱، ۵۴۷، ۱، ۱۷۱۶، باب ۳۳) و یا تصحیف «الحجامه» به جای «الجمعه» در گزارش کلینی «... عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: إِذَا اغْتَسَلْتَ بَعْدَ طُلُوعِ الْفَجْرِ أَجْرًا كَغُسْلِكَ ذَلِكَ لِلْجَنَابَةِ وَالْحِجَامَةِ»؛ (الكافی، ج ۴، ص ۵۲۹ ح ۷).

۴. ر.ک: الرعاية، ص ۱۱۰؛ مقباس الهدایة، ج ۱، ص ۲۳۷.

نوع هستند.

نمونه ۱: معجم رجال الحديث در یادکرد «ابان بن عیسی بن عبدالله القمی» از تهذیب الاحکام:

وَعَنْهُ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عَيْسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْقُمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: ... ١.

می نگارند:

۹۰



محمدصادق بخشی
چاپخانه

در طبع قدیم نیز با همین نام است، ولی در نسخه خطی «ابان عن عیسی بن عبدالله» آمده است و در ظاهر نسخه مخطوط صحیح است؛ زیرا نام «ابان بن عیسی بن عبدالله» در هیچ یک از روایات و مصادر رجالی نیامده است؛ بلکه آنچه آمده روایت «ابان» از «عیسی بن عبدالله» است؛ چنان که شیخ طوسی او را در میان اصحاب امام صادق علیه السلام آورده است^۲ و این متن نیز موافق با نقل الوافی^۳ و وسائل الشیعة^۴ است.^۵

نمونه ۲: آیت الله خوئی ذیل سند الکافی:

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي رَاشِدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ السَّنْدِيِّ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: ... ٦.

و در مقایسه با سند تهذیب الاحکام:

عَنْهُ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِي عَلِيِّ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ السَّنْدِيِّ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَمَّارٍ (حماد) قَالَ: ... ٨.

می نویسد:

۱. ر.ک: تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۹۵، ح ۱۲۳.
۲. ر.ک: رجال الطوسی، ص ۲۵۸، ش ۶۳۵۸.
۳. ر.ک: الوافی، ج ۸، ص ۶۵۹، ح ۶۸۱۲.
۴. ر.ک: وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۱۱۶، ح ۷۴۹۴.
۵. ر.ک: معجم رجال الحديث، ج ۱، ص ۱۵۴، ش ۴۰.
۶. در نسخه آیه الله خوئی «یونس بن حماد» ثبت شده است.
۷. الکافی، ج ۵، ص ۱۴، ح ۱۴.
۸. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۳۳۲، ح ۹۲۳.

تفاوت دو نقل از سه جهت است؛ از جهت راوی و مروی عنه. ظاهراً صحیح نقل تهذیب است؛ زیرا «یونس بن حماد» در هیچ‌یک از منابع رجالی و روایی نیامده است و موافق با نقل الوافی^۱ و وسائل الشیعه^۲ است. «علی بن ابی‌راشد» نیز در منابع حدیثی گزارش نشده است و الوافی موافق تهذیب است؛ اما «احمد بن محمد» ظاهراً نقل الکافی صحیح است؛ زیرا لقب «البارقی» در هیچ‌یک از منابع رجالی و حدیثی گزارش نشده است و متن الوافی موافق با الکافی است.

سپس در ادامه می‌گوید:

روایت «سهل بن زیاد عن احمد بن محمد البرقی» اشکال دارد؛ زیرا با توجه به روایات فراوان این دو در کتب اربعه، روایتی این‌چنین غیر از یک جای روضه^۳ گزارش نشده است و ظاهراً این دو در یک طبقه قرار دارند و آنچه در سند اخبار متعارف است عطف یکی بر دیگری است؛ بلکه طریق شیخ در الفهرست^۴ به کتاب «سهل» روایت «احمد بن ابی‌عبدالله» از «سهل» است پس بعید نیست کلمه «عن» در سند الکافی مصحّف از واو باشد.^۵

نمونه ۳: ایشان ذیل نام «اسماعیل عن خراش» در سند تهذیب الاحکام:

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ إِسْمَاعِيلَ عَنْ خِرَاشٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ ...^۶

و در مقایسه با سند الاستبصار:

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ خِرَاشٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ ...^۷

می‌نویسد:

۱. ر.ک: الوافی، ج ۱۷، ص ۱۵۹، ح ۱۷۰۴۲.
۲. ر.ک: وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۱۹۶، ح ۲۲۳۳۷.
۳. ر.ک: الکافی، ج ۸، ص ۲۲۱، ح ۲۷۷.
۴. ر.ک: الفهرست، ص ۲۲۸، ش ۳۳۹.
۵. ر.ک: معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۲۱۰، ش ۱۷۰.
۶. ر.ک: تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۲۸۲، ح ۷۷۷.
۷. ر.ک: الإستبصار، ج ۳، ص ۳۶، ح ۱۱۹.

نقل الاستبصار با نقل ديگر شيخ در تهذيب^۱ باب اللعان حديث ۶۴۳ موافق است، ولى به نظر مى‌رسد در هر سه نقل تحريف اتفاق افتاده است و صحيح آن «أحمد بن محمد بن عيسى، عن محمد بن عيسى، عن إسماعيل، عن خراش» باشد که در ساير روايات و در نقل الوافى گزارش شده است. «اسماعيل بن خراش» در هيچ‌يک از منابع رجالى و روايات گزارش نشده است هرچند در نسخه وسائل الشيعة نيز اين گونه است.^۲

نمونه ۴: آيت الله خوئى ذيل سند تهذيب الاحكام:

سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ أَخِيهِ عَلِيِّ بْنِ حَمَّادِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: ...^۳.

و در مقايسه با سند الاستبصار:

سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: ...^۴.

مى‌نگارد:

در چاپ قديمى تهذيب «حماد بن محمد بن شعيب» نوشته شده است و شكى نيست که واسطه ميان «ابراهيم بن مهزيار» و «حماد بن شعيب» در الاستبصار افتاده است؛ زيرا واسطه در گزارش الوافى^۵ و وسائل الشيعة^۶ موجود است. صحيح در سند «حماد عن شعيب» است و تحريف در نقل تهذيب و الاستبصار واقع شده است هرچند نسخه وسائل نيز مانند الاستبصار است. همانا «حماد بن محمد» و «حماد بن شعيب» در منابع رجال و حديث گزارشى ثبت نشده‌اند.^۷

۱. ر.ک: تهذيب الأحكام، ج ۸، ص ۱۸۴، ح ۶۴۳.
۲. ر.ک: معجم رجال الحديث، ج ۴، ص ۱۰، ش ۱۲۶۵.
۳. ر.ک: تهذيب الأحكام، ج ۳، ص ۳۱۵، ح ۹۷۸.
۴. ر.ک: الإستبصار، ج ۱، ص ۴۷۴، ح ۱۸۳۴.
۵. ر.ک: الوافى، ج ۲۴، ص ۴۳۹، ح ۲۴۴۰۹.
۶. ر.ک: وسائل الشيعة، ج ۳، ص ۷۵، ح ۳۰۵۵.
۷. ر.ک: معجم رجال الحديث، ج ۱۰، ص ۳۱، ش ۵۷۲۹.

آیت‌الله خویی در موارد بسیاری از این شیوه بهره جسته است.^۱

۲. اشتباه نسخه پردازان

در دوران گذشته کتابت و استنساخ از کتاب‌ها، یکی از مشاغل مرسوم بود، این کار به طور ناخواسته مشکلاتی را به همراه داشت که بر انتقال محتوای اصیل نگاشته‌ها تأثیر می‌گذاشت؛ متخصص نبودن نسخه‌نویس و جهل کاتب به خطوط و... از جمله مشکلاتی است که به متن آسیب می‌رساند؛ آیت‌الله خویی در مواردی ضمن شناسایی تحریف و تصحیف، دلیل وقوع تصحیف را سهو یا غفلت و اشتباه نسخه‌نویسان و یا اختلاف نسخه یاد کرده است. بیشترین اشاره ایشان به این نکته در مبحث «اختلاف النسخ» مطرح شده که برخی از نمونه‌های آن عبارت‌اند از:

نمونه ۱: ایشان در شرح حال «آدم ابوالحسین الخناس الکوفی» می‌نگارد:

ظاهراً عنوان مذکور متحد با نام «آدم بن الحسین» که در آینده از رجال نجاشی^۲ نقل می‌شود متحد است. به این ترتیب تحریف در نسخه نجاشی یا نسخه رجال شیخ طوسی^۳ واقع شده است و بعید نیست تحریف در نسخه رجال شیخ طوسی واقع شده باشد؛ زیرا نسخه رجال شیخ که نزد ابن داود بوده موافق با نسخه رجال نجاشی است و ابن داود در چهل دو مورد تصریح نموده که نسخه رجال به خط شیخ را دیده است.^۴

نمونه ۲: آیت‌الله خویی در شرح حال «ابان بن عمر الاسدی» می‌نویسد:

عنوان مذکور در رجال نجاشی، خلاصه الاقوال، رجال ابن داود، تفریسی، میرزا

۱. ر.ک: معجم رجال الحديث، ج ۲، ص ۴۴، ش ۴۲۸، ج ۱، ص ۲۲، ش ۱۶. ایشان ذیل عنوان «علی بن محمد بن سالم» در سند کامل الزیارات: «حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادِ الْبَصْرِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ عَنْ مِسْمَعِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: ...» (کامل الزیارات، ص ۶۸، ج ۲) می‌نگارد: «مانند سند یادشده در شرح حال «علی بن محمد بن سلیمان» خواهد آمد و بعید نیست نام «سالم» تصحیف شده «سلیمان» باشد؛ زیرا «علی بن محمد بن سالم» در هیچ‌یک از منابع رجالی و روایی گزارش نشده و آنچه هست علی بن محمد بن سلیمان است.» (معجم رجال الحديث، ج ۱۳، ص ۱۵۲، ش ۸۴۳۵).

۲. ر.ک: رجال النجاشی، ص ۱۰۴، ش ۲۶۱.

۳. ر.ک: رجال الطوسی، ص ۱۵۵، ش ۱۷۱۲.

۴. ر.ک: معجم رجال الحديث، ج ۱، ص ۱۰۷، ش ۲.

و در مجمع الرجال قهپائی نیز آمده است؛ ولی در نسخه چاپی موجود از رجال نجاشی «السَّمان» قبل از «التَّمار» ثبت شده و ظاهراً اشتباه از سوی نسخه‌نویسان رخ داده است و شیخ طوسی او را از اصحاب امام صادق علیه السلام با تبدیل نام «الاسدی» به «التَّمار الکوفی»^۱ ذکر کرده است.^۲

نمونه ۳: ایشان ذیل نام «احمد بن محسن المیثمی» در سند الکافی:

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي هَاشِمٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَسِّنِ الْمَيْثَمِيِّ قَالَ: ...^۳

یادآور می‌شود:

سند مذکور در بیشتر نسخه‌ها گزارش شده است، ولی در مرآت العقول «محمد بن الحسن» نسخه بدل «احمد بن محسن» نقل کرده است و در طبع قدیم الکافی «محمد بن محسن» به‌عنوان یک نسخه و «احمد بن الحسن» به‌عنوان نسخه دیگری ثبت شده است و صحیح همان است که ما نقل [طبع موجود از الکافی] کردیم؛ زیرا با دو طبع از کتاب التوحید صدوق^۴ موافق است.^۵

نمونه ۴: ایشان در شرح حال «علی بن حنظله» ذیل نام «عمر بن حنظله» در سند تهذیب الاحکام:

عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ رَبَاطٍ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ عَنْ عُمَرَ بْنِ حَنْظَلَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: ...^۶

چنین نگاشته:

ظاهراً [ذکر نام «عمر بن حنظله» به‌جای «علی بن حنظله»] اشتباه سهوی

۱. ر.ک: رجال الطوسی، ص ۱۶۴، ش ۱۸۷۷.

۲. ر.ک: معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۱۵۴، ش ۳۸.

۳. ر.ک: الکافی، ج ۱، ص ۷۴، ح ۲.

۴. همان ص ۱۲۵، ح ۴.

۵. ر.ک: معجم رجال الحدیث، ج ۲، ص ۲۰۶، ش ۷۷۸.

۶. ر.ک: تهذیب الأحکام، ج ۸، ص ۵۶، ح ۱۸۳. الإستبصار، ج ۳، ص ۲۸۹، ح ۱۰۲۲.



مؤلف یا نسخه‌نویسان است؛ زیرا «موسی بن بکر» خبر مذکور را از «علی بن حنظله» روایت کرده است.^۱

آیت‌الله خوئی در موارد بسیاری از این شیوه بهره جسته است.^۲

۳. سقط و افتادگی

یکی از دلایل رخداد تصحیف در اسناد روایات افتادگی نام راوی است؛ آیت‌الله خوئی نیز در اسنادی از روایات، تصحیف را به دلیل سقط و افتادگی برخی نام‌ها و کلمات می‌داند. در این بحث به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود.

نمونه ۱:

شیخ به سند خود از «أحمد بن محمد، عن علی بن فضال، عن غالب بن عثمان، عن روح بن عبد»^۳ بنا بر یک نسخه قدیمی نقل روایت کرده است و در نسخه دیگری «عن أحمد بن محمد، عن غالب بن عثمان»، بدون واسطه نقل شده است و این نسخه موافق کتاب الوافی^۴ است. کلینی نیز این روایت را به همین شکل نقل کرده با این تفاوت که در آن «أحمد بن محمد، عن ابن فضال، عن غالب بن عثمان»^۵ نقل شده است و این موافق با وسائل الشیعه^۶ نیز هست. به نظر می‌رسد نقل الکافی صحیح باشد و مراد از «ابن فضال» به قرینه سایر روایات «الحسن بن علی بن فضال» است نه «علی بن فضال» و این از طریق شیخ^۷ به «غالب بن عثمان» نیز به دست می‌آید.^۸

نمونه ۲: آیت‌الله خوئی ذیل سند «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ» که

۱. ر.ک: معجم رجال الحدیث، ج ۱۲، ص ۴۳۰، ش ۸۱۱۵.

۲. آیت‌الله خوئی ذیل نام «الحسن بن اسد الطفاوی» می‌نویسد: «ابن غضائری با این عنوان ثبت کرده است و علامه احتمال اتحاد او با «الحسن بن راشد الطفاوی» را داده است و ناسخ کلمه «راشد» را به «اسد» تصحیف کرده است.»

(معجم رجال الحدیث، ج ۵، ص ۲۷۴، ش ۲۷۳۵).

۳. ر.ک: تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۳۶۶، ح ۱۰۵۳.

۴. ر.ک: الوافی، ج ۱۷، ص ۲۴۵، ح ۱۷۱۹۶.

۵. ر.ک: الکافی، ج ۵، ص ۱۲۱، ح ۳؛ ج ۶.

۶. ر.ک: وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۱۵۸، ح ۲۲۲۳۸.

۷. ر.ک: الفهرست، ص ۳۵۸، ش ۵۶۳.

۸. ر.ک: معجم رجال الحدیث، ج ۲، ص ۳۴۰، ش ۷۸۰.

در موارد متعدد الکافی^۱ و تهذیب الاحکام^۲ تکرار شده است می‌نویسد:

در چندین مورد همین سند ثبت شده؛ اما در تمامی موارد، تحریف واقع شده، زیرا «عدة من اصحابنا» به واسطه «احمد بن محمد بن خالد» یا «احمد بن محمد بن عیسی» از «احمد بن محمد بن ابی نصر» نقل روایت می‌کنند.^۳

نمونه ۳: آیت الله خوبی در مورد روایت «محمد بن یحیی» از «ابی نصر البزنطی» می‌نویسد:

کلینی در چند مورد توسط «محمد بن یحیی» و بدون واسطه از «أحمد بن مُحَمَّد بن ابی نصر» روایت نقل نموده است،^۴ اما باید دانست که در تمام این موارد تحریف صورت پذیرفته است، زیرا «محمد بن یحیی» از «ابن ابی نصر» به واسطه «احمد بن محمد بن خالد برقی» یا «احمد بن محمد بن عیسی» نقل روایت می‌کند.^۵

۴. تشابه حروف میان دو نام

یکی از دلایل وقوع تصحیف در سند و متون حدیثی، تشابه حروف دو اسم و یا دو کلمه از نظر رسم الخط است. برخی کلمات از حیث حروف، شکل و هیئت همگونی بسیاری با یکدیگر دارند و در برخی حروف مانند «ج، ح، خ»، «س، ش» و یا «ع، غ» تنها وجه تمایز آنها، نقطه است. همچنین تصحیف می‌تواند به خاطر دندان‌گذاری و شباهت ظاهری برخی الفاظ به یکدیگر صورت گیرد؛ مانند «عبدالله بن سنان و عبدالله بن مسکان»، «قیس و عیسی» و یا «سبعین و تسعین».^۶ آیت الله خوبی در معجم به تحریفات و تصحیفات که معلول این شباهت بوده‌اند اشاره کرده که به چند نمونه از استنادهای ایشان اشاره می‌شود.

در یکی از اسناد کتاب الکافی نوشته شده است:

۱. ر.ک: الکافی، ج ۱، ص ۴۲۹، ج ۲، ص ۲۶۳، ج ۱۵؛ ج ۳، ص ۲۱۴، ج ۴ و....

۲. ر.ک: تهذیب الأحکام، ج ۵، ص ۲۳۰، ج ۱۵؛ ج ۷، ص ۴۴۹، ج ۹ و....

۳. ر.ک: معجم رجال الحدیث، ج ۳، ص ۲۸، ش ۸۰۳.

۴. ر.ک: الکافی، ج ۱، ص ۱۵۲، ج ۶؛ ج ۳، ص ۸۲، ج ۲؛ ج ۵، ص ۳۷۶، ج ۷.

۵. همان، ج ۱، ص ۴۸، ج ۳؛ ص ۵۲، ج ۱۳؛ ص ۱۳۲، ج ۶؛ ص ۱۵۲، ج ۶؛ ج ۲، ص ۵۲، ج ۶؛ ص ۱۱۱، ج ۱ و....

۶. ر.ک: معجم رجال الحدیث، ج ۳، ص ۳۰، ش ۸۰۳. همچنین نگاه کنید به: معجم رجال الحدیث، ج ۲، ص ۲۱۸،

ش ۷۸۰.

۷. ر.ک: مجله حدیث حوزه، ص ۱۲۱، شیوه‌شناسی محقق شوشتری در شناسایی و حل تصحیفات راه یافته در نام راویان (با تأکید بر کتاب قاموس الرجال) مقاله از نگارنده، شماره ۱۶، سال ۱۳۹۷،



أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ الْمُحْرِمَ إِذَا تَزَوَّجَ وَهُوَ مُحْرَمٌ فُرِقَ بَيْنَهُمَا ثُمَّ لَا يَتَعَاوَدَانِ أَبَدًا.^۱

آیت‌الله خویی ذیل آن چنین آورده:

«ابراهیم بن الحسن» در این طبقه، در هیچ‌یک از مصادر و منابع روایی و رجالی مطرح نشده و مجهول است؛ اما با آگاهی از دانش رجال، این راوی مجهول می‌تواند شناخته شود. «ابراهیم بن الحسن» در سند، در اصل «أدیم بن الحر» - ادیم بن الحر - است که به دلیل شباهت تقریبی خط میان این دو نام، مشکل مجهول بودن راوی به نظر می‌رسد.^۲ تأیید بر رخدادهای تصحیف در سند این روایت، سند دیگری از شیخ طوسی در تهذیب الأحکام است:

مُوسَى بْنُ الْقَاسِمِ عَنْ عَبَّاسٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ أُدَيْمِ بْنِ الْحُرِّ الْخَزَاعِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: ...^۳

همچنین شناخت طبقه بر وجود تصحیف در این روایت شهادت می‌دهد؛ دلایل دیگری نیز وجود دارد که در بخش‌های دیگر بدان پرداخته می‌شود.

ب. راه‌های برون‌رفت از تصحیف

آیت‌الله خویی در معجم رجال الحدیث از راه‌های مختلف برای برون‌رفت تصحیف کمک گرفته‌اند که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

۱. تطبیق میان اسناد روایات مشابه

معجم رجال الحدیث ضمن بحث در مسئله عدم قطعی‌الصدور بودن روایات کتب اربعه بر این باور است که در دو کتاب تهذیب الأحکام و الاستبصار تصحیف‌های بی‌شماری صورت پذیرفته است. ایشان در این باره، به کلام صاحب حدائق استناد کرده می‌نویسد:

۱. ر.ک: الکافی، ج ۴، ص ۳۷۲، ح ۳ و به نقل از کلینی، ر.ک: تهذیب الأحکام، ج ۵، ص ۳۹۲، ح ۴۵؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۳۹، ح ۱۶۷۱۵.

۲. ر.ک: قاموس الرجال، ج ۱، ص ۱۷۱.

۳. ر.ک: تهذیب الأحکام، ج ۵، ص ۳۲۹، ح ۱۱۳۲.

چه بسیار کم است سند و متنی در کتاب تهذیب دچار خلل نشده باشد.^۱
 یکی از راهکار آیت‌الله خوبی جهت شناخت و رفع این تصحیف‌ها بررسی روایت در دیگر مصادر حدیثی و تطبیق با اسناد مشابه است، در ذیل به نمونه‌هایی از این روش اشاره می‌شود:
 نمونه ۱: تهذیب الاحکام به نقل از الکافی روایت می‌کند:

عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ مَثُورِ بْنِ حَازِمٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تَقْرَأُ فِي الْمَكْتُوبَةِ...^۲

در الاستبصار^۳ نیز به همین صورت با این تفاوت که «عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ» نقل شده است. آیت‌الله خوبی در مورد این سند می‌نویسد:
 همان طور که در الکافی^۴ نقل شده «محمد بن احمد» صحیح است.^۵

نمونه ۲: معجم رجال الحديث ذیل سند تهذیب الاحکام:

«الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ ابْنِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ الْفَضْلِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: (...)^۶»

می‌نویسد:

این سند در چاپ قدیم و نیز الوافی و غیر اینها به این صورت نقل شده است؛ اما به نظر می‌رسد در آن تحریف صورت گرفته و صحیح آن «الحسین بن سعید عن القاسم بن محمد عن ابان» است. دلیل بر این نکته به قرینه سایر روایات است؛ «الحسین بن سعید» در بسیاری از روایات به واسطه «القاسم بن محمد» از «ابان بن عثمان» نقل روایت می‌کند و...^۷

۱. ر.ک: معجم رجال الحديث، ج ۱، ص ۳۴ و ۹۹.

۲. ر.ک: تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۶۹، ح ۲۱.

۳. ر.ک: الاستبصار، ج ۱، ص ۳۱۴، ح ۱.

۴. ر.ک: الکافی، ج ۳، ص ۳۱۴، ح ۱۲.

۵. ر.ک: معجم رجال الحديث، ج ۲، ص ۴۶، ش ۴۲۷.

۶. ر.ک: تهذیب الأحکام، ج ۹، ص ۱۵۰، ح ۷۹.

۷. ر.ک: معجم رجال الحديث، ج ۱، ص ۱۲۶، ش ۱۶.

نمونه ۳: آیت الله خویی در مورد این سند تهذیب الاحکام

مَا أَخْبَرَنِي بِهِ الشَّيْخُ أَيَّدَهُ اللَّهُ تَعَالَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ
الْحُسَيْنِ الصَّفَّارِ وَ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ
سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام ...^۱

۹۹

می‌نویسد:



در نسخه قدیمی^۲ و نسخه الوافی^۳ به این شکل آمده است؛ ولی در ظاهر
تصحیفی در آن رخ داده و به قرینه دیگر روایات و تکرار سند «سعد بن عبدالله»
صحیح است.^۴

۲. شناخت طبقه

ناهماهنگی و عدم مطابقت میان راوی با استاد و یا شاگرد در برخی موارد، موجب کشف
تصحیف می‌شود و راه برون‌رفت از آن مراجعه به طبقه راویان است. شناسایی زمان ولادت و وفات
راوی، اساتید، شاگردان و راویان معاصر پژوهشگر را در شناسایی تصحیفات راه یافته در نام راویان و یا
اجزای سند مانند تصحیف حرف «واو» به «عن» و یا «بن» به «عن» و... یاری می‌رساند. آیت الله
خویی در این باره دقت کافی داشته و در بسیاری از موارد از این شیوه بهره جسته و نمونه‌های زیر از
این دست است:

نمونه ۱: معجم رجال الحدیث پس از نقل سندی از تهذیب الاحکام با این عنوان:

سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ
عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: ...^۵

می‌نویسد:

۱. ر.ک: تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۱۲۷، ح ۳۴۲.

۲. همچنین در نسخه مطبوع.

۳. ر.ک: الوافی، ج ۹، ص ۱۷۳۲، ح ۹۰۱۴.

۴. ر.ک: معجم رجال الحدیث، ج ۴، ص ۶۶، ش ۱۳۸۱. جهت مطالعه نمونه‌های بیشتر ر.ک: معجم رجال الحدیث،

ج ۲، ص ۲۰۶، ش ۷۷۷ و ص ۲۱۷، ش ۷۸۰.

۵. ر.ک: تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۳۴۷، ح ۲۸.

در چاپ قدیم تهذیب و الوافی^۱ به این شکل نقل شده است. همچنین در وسائل الشیعه «ابن ابی نجران و الحسین بن سعید»^۲ با واو عاطفه آمده است؛ در ظاهر در تمام موارد تصحیف وجود دارد؛ زیرا روایت «سعد بن عبدالله» از «ابن ابی نجران» و یا روایت «سعد بن عبدالله» از «الحسین بن سعید» بدون واسطه ممکن نیست، همچنین روایت «ابن ابی نجران» از «الحسین بن سعید» معهود نیست بلکه رابطه برعکس است. «الحسین بن سعید» از «ابن ابی نجران» روایات بی شماری نقل نموده است.^۳

نمونه ۲: شیخ طوسی از این قرار است:

و رَوَى أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ يَحْيَى عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ
بْنِ فَضَّالٍ عَنْ ظَرِيفِ بْنِ نَاصِحٍ وَ عَلِيٍّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ
ظَرِيفِ بْنِ نَاصِحٍ...^۴

آیت الله خوبی درباره این سند می نویسد:

به نظر می رسد که در این سند تحریف صورت گرفته و صحیح به قرینه دیگر روایات «محمد بن احمد بن یحیی عن العباس بن معروف» است،^۱ افزون بر آن که «احمد بن محمد بن یحیی» در این طبقه وجود ندارد.^۲

نمونه ۳: معجم رجال الحدیث ذیل نام «حماد بن عثمان» در سند تهذیب الاحکام:

«مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ حَرِيزِ
عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: ...»^۳

۱. همان ج ۸، ص ۹۶۰، ح ۷۴۹۰.

۲. ر.ک: وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۲۰۴، ح ۱۰۴۳۲.

۳. ر.ک: الکافی، ج ۳، ص ۳۰۳، ح ۴؛ تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۶۲، ح ۱۰؛ ص ۸۹، ح ۹۷؛ ص ۱۵۵، ح ۳؛ ج ۷، ص ۱۱۹، ح ۱۲۵؛ ج ۱۰، ص ۲۱۹، ح ۸؛ ص ۱: ۲۳، ح ۴۳ و...

۴. ر.ک: معجم رجال الحدیث، ج ۹، ص ۸۵، ش ۵۰۵۸.

۵. ر.ک: تهذیب الأحکام، ج ۱۰، ص ۲۹۶، ح ۲۶.

۶. همان، ج ۱، ص ۱۸۹، ح ۱۷؛ ص ۲۷۵، ح ۹۷؛ ج ۲، ص ۹۷، ح ۱۳۲؛ ج ۳، ص ۳۰، ح ۱۹؛ ص ۴۱، ح ۵۷؛ ص ۴۸، ح ۷۸؛ ص ۲۵۷، ح ۳۶؛ ج ۵، ص ۵۸، ح ۲۸ و...

۷. ر.ک: معجم رجال الحدیث، ج ۱۰، ص ۲۶۳، ش ۶۲۱۰.

۸. ر.ک: تهذیب الأحکام، ج ۴، ص ۴۷، ح ۴.

می‌نویسد:

در گزارش الکافی^۱ «حماد بن عیسی» به جای «حماد بن عثمان» نقل شده است و صحیح همین است؛ زیرا روایت «ابراهیم بن هاشم عن حماد بن عثمان» بنا بر گفته مجلسی و صاحب المنتقی ثابت نشده است، بلکه شیخ صدوق در المشیخه در طریق خود به وصیت امیرالمؤمنین علیه السلام به فرزندش «محمد بن الحنفیه» تصریح می‌کند که «ابراهیم بن هاشم» با «حماد بن عثمان» ملاقات نداشته است و همانا با «حماد بن عیسی» ملاقات داشته و از او روایت کرده است.^۲

نمونه ۴: ایشان ذیل نام «خالد بن سعید» در سند تهذیب الاحکام:

عَلِيَّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ خَالِدِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ يُونُسَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:
سَأَلْتُهُ ... ۳.

چنین نگاشته است:

همین نقل در چاپ قدیم تهذیب و در یک نسخه وسائل الشیعه آمده است و در نسخه دیگر «صالح بن سعید» به جای «خالد بن سعید» ثبت شده است و این صحیح است؛ ... زیرا «خالد بن سعید» در این طبقه وجود ندارد.^۴

مرحوم خوئی در موارد بسیاری از این شیوه برای برون رفت تصحیفات استفاده کرده است.^۵

۳. مقابله و مطابقت با نسخه کافی و وافی و وسائل الشیعه

آیت‌الله خوئی در موارد بسیاری برای تصحیح سند تصحیف و تحریف شده و برون رفت آن به استناد به مطابقت با نسخه‌های حدیثی کتاب‌های کافی و وافی و وسائل الشیعه به تغییرات راه‌یافته

۱. ر.ک: الکافی، ج ۳، ص ۵۵۳، ح ۲.

۲. ر.ک: معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۳۰۴، ش ۳۳۲.

۳. ر.ک: تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۲۷۷، ح ۲.

۴. ر.ک: معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۳۰۵، ش ۳۳۲.

۵. ر.ک: معجم رجال الحدیث، ج ۷، ص ۲۲، ش ۳۹۵۶، ص ۲۸۲، ش ۱۹۹، و ج ۱۶، ص ۱۱۰، ش ۱۰۲۷۲، ج ۱۸، ص ۴۸، ش ۱۱۴۰۴، و ص ۵۵، ش ۱۱۴۱۸، ج ۹، ص ۲۱، ش ۴۹۵۴، و...



در سند رسیده است. در واقع با توجه به فراوانی دیگر نسخ کتاب‌های حدیثی به تصحیح آن پرداخته است. ناگفته پیداست که در برخی موارد نیز نسخه تهذیب یا استبصار معیار تصحیح و ارزیابی سند قرار می‌گیرد.

۳/۱. مطابقت با نسخه کافی

از تعابیر رجالیان درباره شخصیت‌شناسی کلینی استفاده می‌شود ایشان در تدوین و تألیف کتاب کافی دقت و اهتمام ویژه‌ای داشته‌اند؛ از این رو، پژوهشگران این عرصه، کافی را اضبط از دیگر نگاشته‌های حدیثی برشمرده‌اند و آیت‌الله خویی در معجم رجال الحدیث در مقام مقایسه کافی با دیگر جوامع حدیثی در بسیاری موارد به علت اضبط بودن کافی، نسخه کافی را مقدم داشته‌اند.^۱

نمونه ۱: آیت‌الله خویی در ذیل سند استبصار:

أَخْبَرَنِي الشَّيْخُ رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ
 بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ
 أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: ...^۲

می‌نویسد: در نقل تهذیب در سند آن «عثمان بن عیسی» به جای «عبدالله بن مسکان» ثبت شده است.

مَا رَوَاهُ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عُمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ
 سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: ...^۳

آیت‌الله خویی در داوری بین نقل استبصار و تهذیب، نقل تهذیب را ترجیح می‌دهد؛ زیرا موافق با نقل کلینی^۴ است.^۵

نمونه ۲: ایشان ذیل سند تهذیب که در آن روایت حسین بن علی از ابان بن عثمان آمده:

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ

۱. ر.ک: معجم رجال الحدیث، ج ۳، ص ۱۴۳، ج ۸، ص ۲۰۶، ج ۱۵، ص ۱۷۷، ج ۲، ص ۲۰۸.

۲. ر.ک: الاستبصار: ج ۱، ص ۱۱۸، ح ۳۹۹.

۳. ر.ک: تهذیب الاحکام: ج ۱، ص ۱۴۳، ح ۴۰۴.

۴. ر.ک: کافی: ج ۳، ص ۴۹، ح ۱.

۵. ر.ک: معجم رجال الحدیث، ج ۱۴، ص ۱۲۴، ش ۷۶۱۰.

عَلَى عَنْ أَبَانَ بْنِ عُمَانَ عَنِ الْحَسَنِ الصَّيْقَلِ قَالَ وَ...^۱

می‌نویسد:

در طبع قدیمی و نسخه خطی تهذیب نام «الحسن بن علی» به جای «حسین بن علی» آمده است و نام «حسن» صحیح است؛ زیرا موافق با کتاب الکافی^۲ است.^۳

۱۰۳



نمونه ۳: در سندی از تهذیب شیخ طوسی به اسنادش از احمد بن محمد از صفوان گزارش کرده:

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ أَبَانَ عَنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.^۴

ولی در سند استبصار همان روایت را از احمد بن محمد از حسین بن سعید او از صفوان نقل کرده است.

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ أَبَانَ عَنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.^۵

آیت الله خویی در داوری بین دو نقل شیخ، گزارش تهذیب الاحکام را مقدم داشته؛ زیرا موافق با نسخه کلینی است.^۶

۲/۳. مطابقت و موافقت با نسخه وافی و وسائل الشیعه

آیت الله خویی گاه در تصحیح سند تهذیب و استبصار نسخه وافی و وسائل الشیعه را مقدم و ترجیح داده است.

نمونه ۱: ایشان در مقایسه سند تهذیب الاحکام که در آن نام «القاسم بن عامر» آمده با سند استبصار که در آن عنوان «العباس بن عامر» به جای قاسم بن عامر آمده:

۱. ر.ک: تهذیب الاحکام: ج ۷، ص ۲۱۳، ح ۱۹.

۲. ر.ک: الکافی: ج ۵، ص ۲۸۹، ح ۱.

۳. ر.ک: معجم رجال الحدیث ج ۱، ص ۱۶۶.

۴. ر.ک: تهذیب الاحکام» ج ۷، ص ۱۴۳، ح ۶۳۳.

۵. ر.ک: الاستبصار: ج ۳، ص ۹۱، ح ۳۰۸.

۶. ر.ک: معجم رجال الحدیث: ج ۲، ص ۲۰۹.

مى نويسد:

عَلَى بَنِ الْحَسَنِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَ
 الْحَسَنِ بْنِ شَهَابٍ قَالَا قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام ...^۱
 عَلَى بَنِ الْحَسَنِ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَ
 الْحَسَنِ بْنِ شَهَابٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام ...^۲

ظاهراً نقل استبصار صحيح است؛ زيرا موافق با نسخه وافى و وسائل الشيعه
 است.^۳

نمونه ۲: در سند تهذيب چنين آمده:

وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ حَمِيدِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ
 بْنِ مُحَمَّدِ الْكِنْدِيِّ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ
 أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ ...^۴

آيت الله خويى در مقايسه سند تهذيب الاحكام كه در آن روايت حميد بن زياد از محمد بن الحسن
 بن محمد الكندى آمده با سند الكافى كه در آن الحسن بن محمد الكندى گزارش شده، نسخه
 الكافى را صحيح دانسته؛ زيرا موافق با كتاب وافى و وسائل الشيعه است. افزون بر اين كه حميد بن
 زياد فراوان از حسن بن محمد كندى روايت گزارش کرده است.^۵

نمونه ۳: آيت الله خوئى ذيل نام «ابراهيم بن ابي اسحاق» در سند تهذيب الاحكام:

وَ عَنْهُ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي إِسْحَاقَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ أَبَانَ بْنِ
 عَثْمَانَ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شَعِيبٍ الْحَدَّادِ عَنِ الْعَبْدِ الصَّالِحِ عليه السلام قَالَ ...^۶

مى نويسد:

اين سند در يك نسخه از طبع قديم تهذيب نيز اين گونه آمده است؛ ولى در

۱. تهذيب الاحكام: ج ۴، ص ۱۹، ح ۱۶.

۲. الاستبصار: ج ۲، ص ۱۸، ح ۱۶.

۳. ر.ك: معجم رجال الحديث: ج ۱، ص ۱۶۵.

۴. ر.ك: تهذيب الاحكام: ج ۱، ص ۳۲۴، ح ۱۱۴.

۵. ر.ك: معجم رجال الحديث: ج ۱، ص ۱۶۷.

۶. ر.ك: تهذيب الأحكام: ج ۴، ص ۴۶، ح ۱۲۱.

نسخه دیگری «ابراهیم بن اسحاق» نقل شده است و صحیح همین نقل است که موافق با نسخه الوافی^۱ و وسائل الشیعه^۲ است. روایت «ابراهیم بن اسحاق» از «عبدالله بن حماد الانصاری» قرینه این نکته است.^۳

مرحوم خویی در موارد بسیاری^۴ نیز از این راهکار برای برون رفت از تصحیف اشاره کرده است.

۴. استناد به راوی و رابطه‌های پرتکرار

یکی از شیوه‌هایی که توسط آیت الله خویی برای علاج تصحیف در اسناد به کار گرفته، فراوانی ذکر نام صحیح راوی در دیگر اسانید و اتحاد راوی از او در روایات دیگر است. برای نمونه اگر از تعداد ۵۰ روایات یک راوی، فقط چند مورد با عنوان متفاوت (اما مشابه) و بقیه با یک عنوان خاص گزارش شده باشد، می‌تواند در کشف تصحیف و شناخت عنوان صحیح راوی راهگشا باشد. وی به این شیوه در شناسایی و برون رفت از تصحیف اهتمام خاصی داشته است. برای روشن شدن این موضوع به چند نمونه اشاره می‌شود.

نمونه ۱: در سندی از تهذیب الاحکام چنین آمده:

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ دَاوُدَ بْنِ الْحَصِينِ عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ عَنِ
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ وَ...^۵

آیت الله خویی ذیل نام «محمد بن داود بن الحصین» به روایت تهذیب اشاره کرده و افزوده:

در طبع قدیم تهذیب و نیز در کتاب وافی همین عنوان آمده، ولی در نسخه وسائل الشیعه، «محمد بن عیسی» از «داود بن الحصین» گزارش شده است. ظاهراً در تمام آنها تحریف رخ داده و صحیح آن «احمد بن محمد» از «داود بن الحصین» است؛ زیرا روایت احمد بن محمد (بن ابی نصر) از داود بن حصین و

۱. ر.ک: الوافی، ج ۱۰، ص ۱۸۸، ح ۹۴۰۵.

۲. ر.ک: وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۲۲۳، ح ۱۱۸۸۶.

۳. ر.ک: معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۱۶۶، ش ۶۵.

۴. ر.ک: معجم رجال الحدیث: ج ۱، ص ۱۶۸، ۱۶۹، ۲۹۳ و ج ۱۴، ص ۱۸۵، ۱۸۷، ۱۹۶، ۱۹۷، ۲۰۰، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵ و....

۵. ر.ک: تهذیب الاحکام: ج ۱۰، ح ۱۰۸۶.

او از فضل بن عبدالملک مکررا در سند روایات واقع شده است.^۱

نمونه ۲: ایشان ذیل نام «اسماعیل بن عبدالله» در سند تهذیب:

مَا أَخْبَرَنِي بِهِ الشَّيْخُ أَيَّدَهُ اللَّهُ تَعَالَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ
 الْحَسَنِ الصَّفَّارِ وَ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ
 سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ وَ...^۲

چنین آورده است:

در طبع قدیم تهذیب و نیز در کتاب وافى «اسماعیل بن عبدالله» آمده است؛
 ظاهرا در نام یادشده تحریف رخ داده و صحیح «سعد بن عبدالله» است به
 قرینه سائر موارد و تکرار این سند.^۳

نمونه ۳: و نیز ذیل عنوان «العبدی» در سند تهذیب الاحکام:

عَنْهُ (عَلَى بْنِ الْحَسَنِ) عَنِ الْعَبْدِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنِ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 قَالَ: وَ...^۴

می نویسد:

در سند تحریف رخ داده است و صحیح «علی بن الحسن عن العبدی عن
 الحسن بن راشد» است؛ چه اینکه در برخی نسخه‌های تهذیب نیز آمده است؛
 زیرا علی بن حسن فراوان از العبدی و او از حسن بن راشد روایت گزارش کرده،
 افزون بر اینکه نام العبدی در طبقه استاد علی بن حسن وجود ندارد و...^۵

مرحوم خوبی در موارد دیگری^۶ نیز از این راهکار برای برون رفت از تصحیف اشاره کرده است.

۴. راوی کتاب بودن

۱. ر.ک: معجم رجال الحديث: ج ۱۶، ص ۷۶، ش ۱۰۷۱۸.
۲. ر.ک: تهذیب الاحکام: ج ۱، ص ۱۲۶، ح ۳۴۲.
۳. ر.ک: معجم رجال الحديث: ج ۲، ص ۲۴۴، و ج ۱۵، ص ۲۱۵، الموسوعه الرجاليه، ترتسی اسانید الکافی: ج ۸، ص ۳۵، چاپ جدید.
۴. ر.ک: تهذیب الاحکام: ج ۹، ص ۱۸۳، ح ۷۳۶.
۵. ر.ک: معجم رجال الحديث: ج ۲۳، ص ۱۲۱، ش ۱۵۳۹۰.
۶. ر.ک: معجم رجال الحديث: ج ۲۲، ص ۲۶۸، ش ۱۴۵۸۸ و ج ۲۰، ص ۶۶، ش ۱۲۸۴۸، و ص ۴۱، ش ۱۲۷۸۲.

تتبع در منابع فهرست نگاری نشان می‌دهد اصول و کتاب‌های حدیثی اصحاب ائمه علیهم‌السلام به وسیله برخی راویان و شاگردان آنان ضبط و نقل و تدوین و تألیف شده است. آیت الله خویی ضمن شناسایی تصحیفات، برای برون رفت آن از این شیوه استفاده کرده است، در ادامه به چند نمونه آن اشاره می‌شود.

نمونه نخست: ایشان ذیل سند تهذیب الاحکام:

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ أَبَانَ عَنِ أَبِي مَرْيَمَ عَنِ
أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام ...^۱

سند این روایت در نقل الکافی محسن بن احمد به حسن بن احمد آمده است.^۲

آیت الله خویی سند الکافی را صحیح می‌داند و معتقد است در سند تهذیب تصحیف واقع شده است؛ زیرا محسن بن احمد راوی کتاب ابان (بن عثمان) است.^۳

نمونه ۲:

آیت الله خویی ذیل روایت محمد بن احمد العلوی از علی بن جعفر در تهذیب الاحکام:

عَنْهُ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ الْعَلَوِيِّ عَنِ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنِ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ
جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ ...^۴

می‌نویسد:

در طبع قدیم تهذیب نیز همین گونه گزارش شده است، ولی در کتاب الوافی چنین آمده: ابن محبوب عن العلوی عن العمرکی^۵ عن علی بن جعفر عن

أَخِيهِ عليه السلام قَالَ ...^۶

۱. ر.ک: تهذیب الاحکام: ج ۹، ص ۳۲۴، ح ۱۱۶۳.

۲. ر.ک: الکافی: ج ۷، ص ۱۱۹، ح ۴.

۳. ر.ک: معجم رجال الحدیث: ج ۱، ص ۱۲۹، ش ۱۵. رجال التجاشی: ص ۴۲۳، ش ۱۱۳۳، رجال البرقی: ص ۵۱.

۴. ر.ک: تهذیب الاحکام: ج ۸، ص ۲۷۷، ح ۴۰.

۵. عنوان عن العمرکی در سند تهذیب ثبت نشده است.

۶. ر.ک: الوافی: ج ۱۰، ص ۲۴۱، ح ۹۵۱۵.

سپس در داوری بین آنها معتقد است صحیح آن «العمری» است؛ زیرا عمری راوی کتاب علی بن جعفر است، و علوی راوی کتاب عمری^۱ است.^۲

نمونه ۳:

مرحوم خوبی ذیل سند تهذیب الحکام:

عَلِيُّ بْنُ حَاتِمٍ عَنْ سَلِيمَانَ الزُّرَّارِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ
عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ أَبِي مُنْصُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ وَ...^۳

می نویسد:

سند مذکور در طبع قدیم تهذیب و نیز نسخه وسائل الشیعه و الوافی، الرازی به جای الزراری آمده است؛ بعید نیست در تمامی این نسخه‌ها تحریف واقع شده است و صحیح «علی بن حاتم عن علی بن سلیمان الزراری» بوده به قرینه سایر روایات و اینکه علی بن حاتم راوی کتاب علی بن سلیمان زراری است.^۴

نتیجه گیری

این نوشتار به شیوه‌شناسی مرحوم آیت‌الله خوبی در کشف تصحیف و تحریف‌های راه‌یافته در اسانید روایات که در نام، القاب، کنیه و اجزای سند و حروف ربط بسیاری از راویان رخ داده، اشاره نمود. ایشان از دو محور به آسیب‌شناسی تصحیف و تحریف پرداخته است. نخست، چرایی وقوع تصحیف و تحریف را چهار دلیل دانست که عبارت‌اند از: نبود نام راوی در منابع رجال و حدیث، اختلاف نسخه‌نویسان، سقط و افتادگی در سند، تشابه حروف میان دو نام. در محور دوم، به راه‌های برون‌رفت تصحیف اشاره شد که عبارت‌اند از: تطبیق میان اسناد روایات مشابه، شناخت طبقات راوی، مقابله و مطابقت با نسخه‌های کتاب‌های الکافی، الوافی و وسائل الشیعه، استناد به رابطه‌های پرتکرار و در نهایت راوی کتاب‌بودن. بنابراین طرق مرحوم خوبی با گردآوری نمونه‌های متعدد معیارهایی را برای تشخیص و شناسایی تغییرات راه‌یافته در سند روایات پی برده و برای برون‌رفت در تصحیف و تحریف‌های سند روایات راه کارهای جامعی را ارائه داده است.

۱. ر.ک: رجال النجاشی: ص ۳۰۲، ش ۸۲۸..

۲. ر.ک: معجم رجال الحدیث: ج ۱۱، ص ۲۸۶، ش ۷۹۵۹.

۳. ر.ک: تهذیب الاحکام: ج ۳، ص ۱۳۹، ح ۳۱۴.

۴. ر.ک: معجم رجال الحدیث: ج ۱۱، ص ۲۹۹، ش ۷۹۷۱.

فهرست منابع

۱. بهجة الآمال في شرح زبدة المقال، ملا على علياری، تصحيح: هدايت الله مسترحمی، تهران، بی نا، بی تا.
۲. تنقيح المقال، عبدالله مامقانی، ط سنگی، بی جا، بی نا، بی تا.
۳. التوحيد، شيخ صدوق، محمد بن علی، قم: نشر اسلامي، ۱۳۹۸ق.
۴. جامع الرواة، محمد علی اردبیلی، تصحيح: ابوالحسن شعرانی، قم: مكتبة آيت الله مرعشي، ۱۴۰۳ق.
۵. خانمة مستدرک الوسائل، ميرزا حسين نوري، تحقيق: مؤسسة آل البيت، قم: آل البيت، ۱۴۱۵ق.
۶. الخصال، شيخ صدوق، محمد بن علی، قم: نشر اسلامي، ۱۴۰۳ق.
۷. خلاصة الأقوال، علامه حلّي، حسن بن يوسف، تحقيق: جواد قیومی، قم: مؤسسة نشر اسلامي، ط، ۱۴۱۷ق.
۸. دانشنامه جهان اسلام، تهران: بنياد دائرة المعارف اسلامي، ۱۳۷۵ ش.
۹. رجال ابن داود، تقی الدين، حسن بن علی بن داود، حلّي، تحقيق: محمدصادق بحرالعلوم، نجف: حيدرية، بی تا.
۱۰. رجال السيد بحرالعلوم، سيد مهدي بحرالعلوم، تحقيق: محمدصادق بحرالعلوم، نجف اشرف: مطبعة الآداب، ۱۳۸۵ق.
۱۱. رجال الطوسي، محمد بن حسن، تحقيق: محمدجواد قیومی، قم: نشر اسلامي، ۱۴۲۰ق.
۱۲. رجال النجاشي، ابوالعباس، احمد بن علی، تحقيق: موسى زنجانی، قم: نشر اسلامي، ۱۴۱۸ق.
۱۳. الرعاية في علم الدراية و البداية في علم الدراية، شهيد ثاني، زين الدين بن علی، تحقيق: مركز ابحاث و دراسات اسلامي، قم: مركز ابحاث و دراسات اسلامي، ۱۳۸۱ش.

١٤. عدّة الأصول الفقه، شيخ طوسى، محمد بن حسن، تحقيق: محمدرضا انصارى، قم: نشر ستاره، ١٣٧٦ ش.
١٥. عيون أخبار الرضا، شيخ صدوق، انتشارات جهان، ١٣٧٨ ش.
١٦. الغيبة، شيخ طوسى، قم: مؤسسة معارف اسلامى، ١٤١١ ق.
١٧. الفهرست، شيخ طوسى، محمد بن حسن، تحقيق: محمدصادق بحر العلوم، نجف اشرف: مكتبة المرتضويه، بى تا.
١٨. قاموس الرجال، محمدتقى تسترى، قم: نشر اسلامى، ١٤٢٢ ق.
١٩. كمال الدين و تمام النعمة، شيخ صدوق، قم: دارالكتب الاسلاميه، ١٣٩٥ ق.
٢٠. لؤلؤة البحرين، شيخ يوسف بن احمد بحراني، نجف اشرف، مطبعه نعمانى، بى تا.
٢١. مستدرک وسائل الشيعه، ميرزا حسين نورى، قم: اسماعيليان، سنغى، ١٣٦٣ ق.
٢٢. مستدرکات علم رجال الحديث، على نمازى شاهرودى، تهران: شفق، ١٤١٢ ق.
٢٣. معالم العلماء، محمد بن على بن شهر آشوب، نجف: المطبعة الحيدرية، ١٣٨٠ ق.
٢٤. معانى الأخبار، شيخ صدوق، محمد بن على، قم: نشر اسلامى، ١٣٦١ ق.
٢٥. معجم رجال الحديث، ابوالقاسم خويى، قم: مدينة العلم، ١٤١٠ ق.
٢٦. مقباس الهداية فى علم الدراية، عبدالله مامقانى، تحقيق: محمدرضا مامقانى، قم: مؤسسه آل البيت، ١٤١١ ق.
٢٧. من لا يحضره الفقيه، صدوق، محمد بن على، قم: نشر اسلامى، ١٤١٣ ق.
٢٨. منتهى المقال، ابو على محمد بن اسماعيل حائرى، قم: آل البيت، ١٤١٦ ق.